

# تحلیلی انتقادی از سبک معنویت برای کودکان در آمریکا و مبانی کابالایی آن

زینب برخوردار<sup>۱</sup>، سوده جعفری<sup>۲</sup>

پژوهشی علمی و دانشگاهی است که به معرفی مبانی سبک معنویت برای کودکان و بررسی انتقادی آن میپردازد و عملی شدن یا حتی اجرایی نشدن آن در ایران، خارج از رویکرد مقاله است.

کلیدواژگان: معنویت، سبک معنویت برای کودکان، کابالا، نور درونی، کارن برگ.

## مقدمه

از آنجا که معنویت، اتصال فطرت پاک انسانی با عالم معناست و پاک نگه داشتن فطرت و محبوب نشدن آن باید از دوران کودکی مورد توجه قرار گیرد، پرداختن به معنویت برای کودکان ضرورت خود را نشان میدهد. تربیت کودکانی منطقی و معنوی باید در اولویت برنامه‌ریزیهای هر جامعه قرار گیرد. امروزه دو جریان مهم «فلسفه برای کودکان» و «معنویت برای کودکان» در جهان ایجاد شده و مورد توجه است. از آنجا که این آموزش، بر مبانی خاص استوار است، لازم است پژوهشگران و محققان در جهت بومی‌سازی و بررسی مبانی اصلی به بررسی تطبیقی نیز بپردازند.

در عصر حاضر بمدد تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی سریع و در دسترس همگان، اصطلاح دهکده جهانی بکار برده میشود، زیرا فناوری الکترونیکی، جهان را بصورت یک دهکده فشرده تغییر داده و حرکت اطلاعات از هر نقطه به نقاط دیگر جهان در کمتر از چند ثانیه ممکن شده است. بر این اساس، ضروری است پیش از آنکه یک کالای فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی که دارای ابهامات و تناقضات فراوان است، بصورت کاملاً نامحسوس وارد جامعه ما شود و اذهان منعطف کودکانی را که میتوانند زمینه‌ساز تکامل و تعالی یک جامعه باشند، آنگونه که میخواهد ساماندهی کند، به بررسی دقیق آن پرداخته و جوانب مثبت آن را اتخاذ نموده و آنچه را که

## چکیده

سبک معنویت برای کودکان (SFK Spirituality) بعنوان یک سبک آموزشی، توسط کارن برگ در امریکا پایه‌گذاری شده و بر باورها و اصول کابالایی که یکی از شاخه‌های عرفان یهودی است، مبتنی است. این سبک تأکید دارد که همه کودکان در سراسر جهان و با هر دینی، باید تجارب معنوی داشته باشند. بنابراین از دید بنیانگذاران آن، اینکه اکثر مخاطبان این سبک، اعلام نمایند که مسیحی یا مسلمان هستند، تأثیری بر عملکرد جنبش معنویت برای کودکان ندارد، زیرا آنها نسبت به هر مکتبی گشودگی دارند؛ بعبارت دیگر، فراتر از ادیان عمل نموده و از مبانی خود بعنوان یک گرایش و هدیه معنوی بحث میکنند و بر این باورند که کودکان حق دارند از گنجهای معنوی جهان بهره‌مند شوند.

سبک معنویت برای کودکان، در حال حاضر به چند زبان ترجمه شده و در مسیر گسترش و ورود به کشورهای مختلف جهان است. بر عهده پژوهشگران و متولیان این حوزه است که به بررسی این سبک پرداخته و مبانی و منابع آن را شناسایی کرده و مورد سنجش قرار دهند تا چنانچه در برهه‌یی از زمان، تصمیمی اتخاذ شد که حرکت مشابهی در ایران انجام شود یا حتی از طرف بنیانگذاران این سبک - با توجه به فعالیت بین‌المللی آنها - اقدامی صورت گیرد، پیش از آن و بدون در نظر گرفتن اینکه آیا با اقبال روبرو خواهد شد یا نه، مبانی این سبک بررسی شده باشد. مقاله حاضر

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۰/۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱

۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛  
Barkhordariz@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران؛  
Jafari\_so@ut.ac.ir

دارای ابهام و نامعقول است واگذاریم.

(خدایاری فرد، ۱۳۸۶). در حقیقت بنظر میرسد مردم جهان، امروز بیش از پیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش دارند.

### تاریخچه سبک معنویت برای کودکان کارن برگ

در سال ۲۰۰۱ فردی بنام «فیلیپ برگ» (Philip Berg) که از عرفای مدرن یهود بود، مرکزی را در کالیفرنیا بمنظور آموزشهای معنوی اصول کابالیستی تأسیس کرد. پس از مرگ فیلیپ برگ، همسرش آن مرکز را تبدیل به مرکزی برای آموزشهای معنوی به کودکان کرد. کارن برگ (Karen Berg) بنیانگذار سبک معنویت برای کودکان (SFK) است. مرکز کابالایی خانواده برگ، قویترین مرکزی است که مباحثی همچون روح، نور درونی و مبنایی که در بحثهای کابالیستی مطرح میشود را در آموزشهای معنویت برای کودکان بکار میبرند و هم اکنون نیز در حال فعالیت در این راستا هستند.

لازم به ذکر است معنویت برای کودکان از سوی افراد دیگری نیز در غرب مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است. اما بزرگترین مرجع نشر و آموزش بین‌المللی این سبک را کارن برگ بنیانگذاری کرده است. او برنامه‌های معنوی را بصورت روزانه و بر اساس مفاهیم معنوی جهانی بوسیله یک برنامه درسی مدون، به اشتراک میگذارد. معنویت برای کودکان در مدارس و سازمانهای اجتماعی در شهرهای بزرگ در امریکا آموزش داده میشود و دارای بیشترین پیروان در جهان است. نکته اساسی آنست که در این سبک، فهم بر نقل تقدم دارد.

در سال ۲۰۰۷ پس از یک مطالعه جدی که توسط شرکت «زند» صورت گرفت، ثابت شد که معنویت برای کودکان تأثیر بسیار مثبتی بر رفتار آنها داشته و تا کنون به هفت کشور و هشت زبان مختلف گسترش یافته است. این سبک، از سال ۲۰۱۲ در مرکزی در کالیفرنیا بنیانگذاری شد و با این رویکرد که هر کودکی در جهان، بدون در نظر گرفتن پیش‌زمینه یا اعتقاداتش، باید در سالهای اولیه زندگی خود به مفاهیم معنوی جهانی دسترسی پیدا کند، به یک مدل چند رسانه‌یی تبدیل شد و گسترش یافت.

اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان در چند دهه گذشته بصورتی روزافزون، توجه روانشناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است تا حدی که سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره میکند

### معرفی بنیانگذاران سبک معنویت برای کودکان در آمریکا

در سال ۱۹۷۲، فیلیپ برگ با حمایت همسرش کارن، شروع به آموزش دادن مفاهیم و باورهای کابالا کرد و سپس در تل‌آویو مرکز پژوهش اصول و آموزه‌های کابالا را تأسیس نمود. پس از چندی، پیشنهاد راه‌اندازی یک مؤسسه فعال در این زمینه در آمریکا از سوی برگ مطرح شد. خانواده برگ، خانه خود را بعنوان اولین مکان و مرکز کابالا در آمریکا قرار دادند. همچنین مرکز بنیاد خیریه کابالا و معنویت برای کودکان برای کمک به کودکان در معرض خطر را نیز تأسیس نمودند؛ این مرکز در سال ۲۰۰۱ بعنوان یکی از شعبه‌های مرکز کابالیستی به رهبری کارن برگ فعالیت خود را آغاز کرد.

کارن برگ رهبر معنوی و مدیر کنونی مرکز کابالاست. او در یک خانواده یهودی تولد و رشد یافت و در زمانی که مطالعه و یادگیری کابالا برای زنان ممنوع بود، شروع به مطالعه و آموختن کابالا کرد. وی پس از ازدواج با فیلیپ برگ همراه با دو فرزند دخترش از ازدواج قبلی خود، به اورشلیم نقل مکان کردند و صاحب دو فرزند پسر به نامهای یهودا و مایکل شدند.

در سال ۲۰۰۵ خانواده برگ، طرح ایجاد صلح کودکان را با همکاری نزدیک با کودکان اسرائیلی و فلسطینی در کشورهای جنگزده آغاز کردند.

پس از مرگ فیلیپ در سال ۲۰۱۳، کارن که رهبر معنوی این مرکز بود، به‌همراه فرزندانش کارگردانی فعالیت‌های روزانه مرکز کابالا را بر عهده گرفتند. کارن برگ با این ادعا که مردم جهان، تمایل به درک درست از بعد معنوی خود دارند و نیز با باور به اینکه افراد جوامع با اصول کابالیستی میتوانند زندگی خود را بهبود ببخشند که به رشد و ارتقای جهان منجر خواهد شد، مجموعه‌یی را تشکیل داد. این مجموعه که زیر نظر مرکز کابالا، مباحث معنویت را با رویکرد کودکان مطرح میکند، به بیش از چهل زیرمجموعه در سراسر جهان گسترش یافت.

سبک حاضر با عنوان برنامه معنویت برای کودکان در حال صادر شدن به اکثر کشورهای جهان است و افرادی از سوی این سازمان مأمور به این فعالیت شده‌اند.

لازم به ذکر است که کارن برگ نویسنده چهار کتاب به نامهای زیر است: *خدا رزلب میزند* (کابالا برای زنان)، *نور ساده* (حکمت از قلب یک زن)، *ادامه دارد* (تناسخ در جسم تازه و هدف از زندگی)، *پیدا کردن نور از طریق تاریکی* (دروس الهامبخش ریشه‌دار در کتاب مقدس و کتاب زوهر).

میشل برگ (Michal Berg) دختر کارن برگ و عضو هیئت مدیره این مرکز است. میشل مادر پنج فرزند است و به‌همراه همسر خود یهودا برگ، یکی از مدیران مرکز کابالا، در لوس آنجلس زندگی میکنند. او خود را متعهد به فراهم کردن برنامه‌های معنوی برای والدین و کودکانشان میدانند و در آشنا کردن کودکان با ابزارهای معنوی جهانی بمنظور کمک به کشف تواناییهای بالقوه آنها و نیز کشف استعدادهایشان، از دیدگاههای کارن برگ الهام میگیرد.

میشل بطور مستمر به بررسی راههای جدید برای حمایت از خانواده‌ها و تعادل بخشیدن به آنها، به گفتگو و طرح مباحث معنوی میپردازد. او یکپارچگی محتوا و راه و روشهایش را برای بسیاری از کودکان در سراسر جهان تضمین میکند. عمیقترین اعتقاد میشل برگ اینست که نه تنها پدر و مادرها در رشد و توسعه معنوی کودکان خود مؤثر هستند، بلکه کودکان نیز نقش برجستهای را در شکوفایی استعداد والدین و رشد معنوی آنها ایفا میکنند (sfk.org A). همچنین سخنرانیهایی با عنوان «معنویت برای والدین» برگزار میکند که در آن والدینی را که مشتاق توسعه و رشد فکری و پرورشی کودکان خود هستند، به معنویت برای کودکان دعوت مینماید. وی طی این سخنرانیها تجربیات، درون‌بینیها و آنچه تاکنون از برقراری ارتباط با والدین در سراسر جهان بدست آورده را با شرکت‌کنندگان به اشتراک میگذارد.

وندی نیومن (Wendy Neiman) دبیر و معاون این سیستم و از سهامداران شرکت مدیریت قانون گلانتز است. او از سال ۲۰۰۵ صاحب کرسی هیئت مشورتی معنویت برای کودکان است. نیومن را وکیلی مجرب در زمینه طلاق و حضانت فرزندان میدانند که در این زمینه مقالات و کتابهایی را نیز به چاپ رسانده است. همچنین در حوزه حقوق خانواده، سخنرانیهای گسترده‌یی را انجام

داده است. وی طی سالیانی طولانی در کار مدنی و اجتماعی و سازمانهای خیریه گوناگونی فعال بوده است. از جمله این فعالیتهای، مشکلات و مسائل کودکان بود که در این راستا همکاری با مرکز کابالایی معنویت برای کودکان را آغاز کرد.

به این ترتیب در این سیستم از کارآفرینان مشهور و زبردست، اساتید دانشگاه و سرمایه‌گذاران ثروتمند تا پزشکان متخصص، فعالیت میکنند و هر کدام عهده‌دار مسئولیتی هستند.

### نگاهی اجمالی به جریان کابالا

عرفان یهودی یکی از منابعی است که در آن مفاهیم حکمت بیان شده است. بخشهایی از کتاب مقدس (تورات و عهد عتیق) آیاتی را دربردارد که درک آنها بسیار مشکل است. در این راستا، مفسران یهودی بدنبال حل این تناقضات و پیچیدگیها برآمدند. بعنوان مثال، مفاهیمی همچون فصل آفرینش جهان که خداوند چگونه با کلام خود جهان را آفرید، یا موارد دیگری از تورات که احکام آن برای یهودیان، قابل درک نیست اما به آنان دستور داده شده است. این امر منجر شد تا تفاسیری عرفانی از تورات شکل گیرد و آموزه‌هایی نیز متعاقب آن باشد. یکی از این جریانهای تفسیری «قبالا» یا همان «کابالای» امروزی است (شولم، ۱۳۸۶).

این مجموعه عرفانی، تا قرن سیزدهم میلادی و قبل از آنکه نام قبالا بر خود گیرد و کتابی رسمی بنام زوهر<sup>۱</sup> در مورد آن چاپ شود، با نام حکمت مخفی مشهور بود. عبارت دیگر، با وجود تورات و تلمود، یک حکمت مخفی نیز وجود داشت که چیزی فراتر از معانی ظاهری تورات از آن درک میشد (همانجا).

در کتاب زوهر که مرجع اصلی عرفان یهود است، سلسله‌یی دهگانه بین ذات خداوند و جهان مادی یا انسان تصویر شده است، که به آنها سفیرا گفته میشود و شامل ده سفیرا است که جمع آن را سفیروت گویند (همانجا).

اصل مهمی که در مبانی فکری کابالا مطرح میشود، اینست که اساساً حیات و روح، پدیده‌های طبیعی نیستند، خواه روح نباتی باشد، خواه روح غریزه و خواه روح فطرت (رضوی، ۱۳۹۰: ۶۶). کابالا از همان آغاز پیدایش در پی



این امر بود که ادیان را به بهانه «باطن‌گرایی» دچار تصوف و نوعی معنویت درونی کند. به اعتقاد راو یهودا اشلگ، مفسر کابالایی کتاب زوهر که یکی از منابع اصلی اصول کابالیستی است، «فقط با گسترش حکمت کابالا در بین اکثریت، به رستگاری کامل نایل خواهیم شد» (شولم، ۱۳۸۶). این در حالی است که عرفان کابالایی در نشر خرافات و تبلیغ غیر مستقیم آیین یهود در سرتاسر جهان با اتکا به روشهای خرافی، نقش عمده داشته است و از این راه در فرهنگ و زندگی و هنر سینمایی آمریکا نیز راه یافته است.<sup>۲</sup>

### کابالا در سیستم معنویت برای کودکان

امروزه آنچه از جریان کابالا ارائه میشود بر این مبنا استوار است که انرژیهای عالم روحانی دارای تأثیرات روانشناختی و اعجاز‌آمیزی در طبیعت مادی هستند و عالم مادی این انوار و انرژیها را جذب میکند (Berg, K., 2012: 35). این یکی از باورهای است که کارن برگ در سبک خود به تعلیم آن می‌پردازد و معتقد است هر آنچه در این جهان وجود دارد، دارای انرژی است و بطور مداوم درگیر فرایند تکامل و تحول است. انرژی موجودات هرگز از بین نمی‌رود و جرقه نور در هر ذره‌یی از ماده در این عالم وجود دارد. پرسشی که در اینجا مطرح شده آنست که آیا انسان قادر است این تغییر و تحول را شناسایی کرده یا آن را تشخیص دهد؟ (Ibid: 64)

کابالیستها با این ادعا که کابالا از شعور و آگاهی کیهانی که در عرفان یهودی بسیار از آن نام برده شده بهره‌مند است، در پی این هستند که این انرژیها را بطور سازنده و یکسان در هستی، جریان داده و در مقابل آشفستگی در جهان ایستادگی کنند (برگرفته از سایت اندیشکده یهود).

با دانستن این هدف میتوان نتیجه گرفت که عرفان یهود، عرفانی اومانیستی<sup>۳</sup> است، چراکه شناخت خداوند، پیراستن قلب از ماسوی الله و شهود حقیقت هستی است، درحالیکه این دیدگاه سلوکی عارفانه در کابالا که خود را شاخه‌یی از عرفان یهود میداند، بچشم نمی‌خورد.

با بررسی عباراتی که کارن برگ در کتاب *د/امه دارد* خود، پیرامون طالع‌بینی، چهره‌شناسی و امثال این امور

آورده است، میتوان دریافت که کابالا جادو را ابزاری برای استفاده از نیروهای پنهان عوالم دیگر بمنظور اداره کردن مردم میداند و معتقد است تنها کسانی میتوانند به این مرتبه و درجه دست یابند که نور درونی خویش را کشف کرده و آن را افزایش دهند. این افراد، برای تغییر در نور و ماهیت درونی، نیازمند آموزش تعالیم کابالیستی هستند و تنها از این طریق است که کائنات مسخر انسان خواهد شد (Ibid: 47) اما باید دانست که این آموزه‌ها، عرفان یهود را با جادو و خرافه مرتبط ساخته است و یقیناً این ابهامات در سبکی که کارن برگ در حال ترویج آن است نیز مشاهده میشود.

کابالیستها همچنین معتقدند در عصر حاضر، یهودیت باید اهمیت و قدرت خویش را در سراسر جهان آشکار سازد و تنها تعالیم کابالیستی است که قدرت وحدت بخشیدن مجدد به اقوام پراکنده و متفرق دنیا را دارد و این نیروی اصلاحگر بنیادین، تنها در کابالا نهفته است. به همین دلیل است که در سبک کارن برگ، نشانی از دین خاص، عقاید و باوری خاص یا نام خاصی از خداوند بچشم نمی‌خورد.

چنانکه مشاهده میکنیم، کارن برگ در سبک خود بر مبنای اصول و مبانی کابالایی هدفی را دنبال میکند که در آن حتی کودکان فلسطینی را هم عضوی در این برنامه (معنویت برای کودکان) می‌یابیم؛ در ادامه بیان خواهد شد که یکی از اهداف این سیستم آنست که بدون در نظر گرفتن پیشفرضهای اعتقادی یا اجتماعی و فرهنگی کودکان دنیا، سبک خود را به آنها معرفی نموده و آموزش بدهد تا بیشترین جذب را از سراسر دنیا داشته باشد. این در حالی است که هیچگونه داده‌یی از ریشه باور فکری سیستم خود در اختیار آنها قرار نمیدهد بلکه آن را در قالب داستان همراه با شیوه‌یی جذاب و سرگرم‌کننده در اختیار کودکان قرار داده و به آنها آموزش میدهد.

سبک آموزشی معنویت برای کودکان، در مرکز کابالا به مطالعه، بررسی و بکار بردن تعالیم «ریو اسحاق لوریا»، یکی از بزرگترین کابالیستها و از پیروان متأخر و برجسته کابالا<sup>۴</sup>، می‌پردازد. لوریا از نخستین کسانی است که از انسان‌نگاری الوهیت سخن میگوید (شولم، ۱۳۸۵: ۳۲۳). کارن برگ در کتاب *د/امه دارد* خود تصریح میکند که در این کتاب،

حکمت و معرفت لوریانیک را بسیار گسترده ترسیم کرده و بطور خاص کتابی با عنوان *دروازه‌های تناسخ*، اثر اسحاق لوریا را تصویر کشیده است (Berg, K., 2012: 98).

به اعتقاد کارن برگ، کابالا حکمت و معرفت معنوی باستانی است که از جانب دانشمندان و محققان، اندوخته شده است. کارن همچنین بر این باور است که او و همسرش درهایی از کابالا را بر روی تمامی افراد جهان، بدون در نظر گرفتن سن، جنسیت یا وابستگی مذهبی آنها و نیز کسانی که آرزوی کشف این بینش را داشتند، گشوده‌اند. همچنین این نکته را بیان میکند که خود فردی سکولار اما معنوی است درحالیکه همسرش یک فرد ارتدکس بود و با خاطر نشان کردن این نکته می‌خواهد بیحد و حصر و نامحدود بودن پذیرش و جذب در کابالا را نشان دهد (Ibid: 121-128).

### برنامه آموزشی سبک معنویت برای کودکان<sup>۵</sup>

به اعتقاد کارن برگ، معنویت به کودکان کمک میکند از نیروهای درونی خود بهره‌برداری کنند و این امری است که منجر به افزایش خودآگاهی در آنها خواهد شد. همچنین، کودکان درمی‌یابند که نیروی فائق آمدن بر چالشها نزد خود آنهاست و در این راستا می‌آموزند که بر اهداف تمرکز کنند، بر رفتارهایشان اثر بگذارند، تأثیر انتخابهایشان را بفهمند، بتوانند تصمیمهای خردمندانه بگیرند و بدانند این تصمیمها در آینده خود آنها و جهان پیرامونشان تأثیر فراوانی خواهد داشت. در این صورت میتوانند آن اهداف و تصمیمات را توسعه دهند تا تغییری در جهان پیرامون خود ایجاد کنند (sfk.org B).<sup>۶</sup> آموزشهای یادشده در این سبک، نوعی آموزش معنوی، اجتماعی و هیجانی است که ادعا میکند آینده کودک را در مسیر موفقیت قرار میدهد و به او کمک میکند که شادتر زندگی کند.

کارن برگ در سبکی که بر پایه معنویت برای کودکان استوار ساخته، از دو ویژگی عمده برای آموزش مفید و نتیجه‌بخش به کودکان استفاده کرده است که عبارتند از:

۱. آموزش از طریق شناساندن اصولی که مبنی بر آن چیزی است که در بستر طبیعی زندگی کودک رخ میدهد.
۲. بازی و سرگرمی؛ که با سرگرم کردن کودک و

مشغول نمودن او به مواد ضروری آموزشی، به تعلیم و تربیت میپردازند، چراکه مباحث معنویت از نظریات فلسفی و عرفانی نشئت میگیرد و برای کودکان بسیار دشوار و پیچیده است و آموزش آن به بیان ساده و قابل فهم بسیار مهم و ضروری است.

آموزشهای این سیستم از طریق روشهای مختلف یادگیری، شامل استفاده از ویدئوها، انیمیشنها، بازیها، فعالیتهای هنری روزنامه‌نگاری و... بصورت آنلاین انجام میشود. برنامه آنلاین از جانب کودکان و بزرگسالان به همراه هم و در خانه استفاده میشود و همه شرکت‌کنندگان در سراسر جهان میتوانند از آن استفاده کنند. این سبک آموزش کلاسهای گروهی به کودکان - در پرورشگاهها، زندانها، بیمارستانها، کلاسهای فوق‌العاده (برنامه‌های خارج از مدرسه) یا در خود مدارس - را نیز شامل میشود. در این سبک نموداری ارائه شده که در واقع بگونه‌یی دستورالعمل آموزشی این مجموعه بحساب می‌آید و مبتنی بر گامهایی برای ارتقای سطح کودکان است.

پرداختن به این دستورالعمل آموزشی در این بخش از پژوهش، بمنظور آشنایی بیشتر و معرفی دقیقتر سبک معنویت برای کودکان کارن برگ، مفید است.

#### دستورالعمل آموزش برنامه معنویت برای کودکان



نمودار فوق، یک نمودار آموزشی است که توسط مؤسسان برنامه معنویت برای کودکان طراحی شده است. در این راستا گامهایی را در قالب این نمودار آموزشی مطرح میکنند که ذیل برخی از آنها پرسشهایی کلیدی مطرح شده است:

#### ۱) خودآگاهی

نخستین گام، خودآگاهی است. درباره خودآگاهی این پرسش مطرح شده است که انسانها در حقیقت، چه

هستند؟ و بدنبال چه چیزی؟ عبارت دیگر، آنچه را که در پی آن هستیم، در چه حدی میتوانیم داشته باشیم؟ آنچه از این پرسشها بنظر میرسد اینست که هدف کارن برگ از مطرح کردن این دو سؤال تحت عنوانی همچون خودآگاهی، آن است که در وهله اول به کودکان یک خودشناسی ارائه دهد تا در گامهای بعدی راحت تر بتواند مسائلی را که مطرح میکند مقبول جلوه دهد.

او در راستای پاسخگویی به این دو سؤال، بحث غلبه بر ترسها و چالشها و روبرو شدن با آنها بعنوان یک فرصت را مطرح مینماید؛ به بیان دیگر، کلید دیگری که این سیستم به فرد میدهد، انعطاف پذیری و نوع انعطاف پذیری و تبدیل تهدید به فرصت است؛ با این اعتقاد که کودک باید این موضوع را از دوران کودکی بیاموزد.

## ۲) تأثیرگذاری بر اهداف زندگی

گام دوم، تأثیرگذاری بر اهداف زندگی است؛ به این معنی که فرد باید هدفهایش را در نظر بگیرد و به این موضوع توجه داشته باشد که در رسیدن به این اهداف، مهمترین فرد، خود اوست نه افراد و شرایط و موقعیتهای دیگر بلکه تنها خود اوست که بسمت هدفی که اتخاذ کرده در حرکت است.

## ۳) خودکنترلی مدیریتی

گام سوم، خودکنترلی مدیریتی است که میتوان آن را با مباحث مدیریت احساسات مرتبط دانست. در این قسمت بحث هدفگذاری برای رسیدن به اهداف مثبت مطرح میشود و با این مسئله مبنایی همراه است که چگونه میتوان احساسات را بسمتی هدایت کرد که بتوان انرژی منفی‌یی که در محیط وجود دارد را مدیریت نمود و از بروز تأثیر آنها بر روند زندگی جلوگیری کرد؛ با تأکید بر این نکته که این امر با تلاش نظام گام‌بگام، پایداری اهداف و تمرکز بر اشتباهات گذشته، حاصل خواهد شد. در این گام، که کودکان در حال رشد سریعتر هستند، موارد ارتباطی مطرح میگردد؛ بعنوان مثال، مشارکت در کارها و افعالی که در آنها اشتراک‌گذاری بسیار مهم است. لازم به ذکر است که این مسائل و در واقع «چرا و چگونه»هایی که مطرح و آموزش داده میشود، از طریق آموزش تفریحی است (Recreational Educatin).

## ۴) تصمیمگیریهای خردمندانه

چهارمین گام، تصمیمگیریهای خردمندانه است؛ دانستن این نکته که هر تصمیمی که فرد اتخاذ میکند، بر زندگی وی تأثیر دارد و نیز اتفاقاتی را در پی خواهد داشت که مسئول تمامی آنها خود اوست؛ و در این مسیر است که افراد باید آنچه را که بنظرشان تهدید است به فرصت تبدیل نمایند.

## ۵) تصمیم‌سازی

گام پنجم، تصمیم‌سازی است. در این گام به دو صدای درونی فرد برای گرفتن تصمیمهای درست و نادرست اشاره شده و توصیه میشود که به کودکان کمک کنیم تا صدای حقیقی خویش را کشف کنند. این عنوان آموزشی با این سؤال مطرح میشود که آیا تا بحال مباحثه‌یی درونی با خودتان داشته‌اید؟ این مباحثه‌یی است که همیشه اتفاق می‌افتد و مانند اینست که دو صدا در درون شما وجود دارد که هر کدام نظر و خواسته خود را بیان میکنند.

کارن برگ بر این باور است که باید به کودکان آموزش دهیم تا براحتی توانایی تشخیص حق و باطل این دو صدا را بدست آورند.

## ۶) روابط اجتماعی و دوستانه

ششمین گام، روابط اجتماعی و کسب مهارتها در روابط دوستانه است؛ در این سبک، ارتباطی بین این مبحث و مباحث درونی یافت میشود.

آموزش آگاهیهای اجتماعی به کودکان اینگونه مطرح میگردد که همه انسانها به هم متصل و با هم در ارتباطند هر فردی در جهان، هیچ چیزی جدای از بقیه ندارد. تغییر از من آغاز میشود و تأثیر آن بر افراد، بیوقفه است.

در این گام شاهد بیان رابطه علی میان اموری مانند قدردانی کردن، انتخابهایی که در طول روز داریم، قضاوت مسئولانه داشتن و... هستیم. لازم به ذکر است که ایجاد روابط دوستانه و حفظ آن نیز جزو سرفصلهای مهم این برنامه است که آن را در قالب بازی و سرگرمی به کودکان آموزش میدهند. بعنوان مثال، در یکی از این شیوه‌های تدریس، کودکان مشغول ساخت کاردستی‌یی بنام «گلدان دروغ» میشوند و این یکی از بازیهایی است که در این سیستم، در کلاس درس ضمن آموزش مباحث علی و

معلولی، با کودکان انجام میدهند، به این شکل که به هر یک از کودکان، glandانی بنام glandان دروغ داده میشود که دانه دروغ را در آن بکارند و سپس آنچه را که از این دانه میروید، برای یکدیگر ترسیم میکنند و بر روی صفحه‌یی نتایج دروغگویی را به نمایش میگذارند؛ اینگونه در پایان، کودکان کاردستی‌یی از تأثیر دروغ که نشانگر اتفاقات ناشی از دروغگویی است را ارائه میدهند.

این مباحث رابطه تنگاتنگی با اخلاق نیز دارد. بعنوان مثال، زمانی که بحثهای قضاوت یا دلسوزی کردن برای دیگران در این سبک مطرح میشود، قطعاً در گام بعدی آموزش، مباحثی در رابطه با قضاوت مسئولانه داشتن مطرح میشود، با این رویکرد که سخنان افراد بیتأثیر نیست. اینچنین میتوان دریافت که این سیستم تأکید فراوانی بر تأثیر کلام دارد. تکلم فقط ایجاد صوت نیست و تأثیر کلمات بر خود افراد و همچنین بر طرف مقابل و جهان پیرامون آنها نیز بسیار زیاد است.

در نهایت و پس از پشت سر نهادن این گامها، زمانی که کودکان تقریباً در سنین ۱۳-۱۲ سالگی هستند، طبق بیان کارن برگ، نکته‌یی جامع به کودکان آموزش داده میشود و آن نکته، سختکوشی برای رسیدن به هدف است که شامل دو مرحله میشود: پشتکار و تدبیر اشتباهات.

در مرحله دوم بدین شکل مسئله‌سازی شده است که اگر انسان، مرتکب اشتباهی شود یا تصمیم نادرستی بگیرد، چه باید بکند؟ کارن برگ به این سؤال با جمله «اشتباه را جایی بگذارید تا درست شود» پاسخ میدهد.

یکی از مبانی این سبک آنست که فردی که اشتباه کرد، نباید از سیستم خارج شود بلکه سیستم باید بگونه‌یی طراحی شده باشد که بتواند آن فرد را اصلاح کند. به اعتقاد کارن برگ، این دستاورد بسیار گرانبه‌ی است که در این سیستم آموزشی دیده میشود.

نکته اساسی آنست که در موارد تربیتی‌یی که در برخی جوامع اعمال میشود، فردی که مرتکب اشتباهی میگردد، چه کودک باشد، چه نوجوان یا جوان، بجای اینکه راه بازگشتی برای او در نظر گرفته شود تا از اشتباهی که مرتکب شده است به بهترین شکل استفاده نماید، براحتی طرد میشود و این امری بسیار مخرب و

خطرناک برای یک جامعه خواهد بود.

در انتهای بحث گامهای آموزشی، ذکر این نکته لازم است که در این سبک، چنین ابزارهای رفتاری به کودکان ارائه میشود تا به یک نتیجه صحیح دست یابند که چه عملی را باید انجام دهند. همچنین می‌آموزند که این صرفاً چیزی نیست که تنها در قلب یا ذهن یا باور آنها وجود داشته باشد، بلکه باید در راستای این مراتب، اعمالی را نیز انجام دهند که آن اعمال و رفتار، دارای مؤلفه‌هایی است که در ادامه به ذکر آنها خواهیم پرداخت.

کارن برگ همچنین بر این باور است که در این برنامه قدرت مشارکت بسیار بالاست و این امر موجب میشود تا فرد بیشتر بتواند به کسب اطلاعات بپردازد و در راستای آن به موفقیت بیشتری دست یابد. او معتقد است همه انسانها به هم متصل و باهم در ارتباط هستند و با انتخابهایی که میکنند، نه تنها بر خود بلکه بر همه افراد پیرامون خود نیز اثر میگذارند؛ برگ در این راستا شعار «تغییر از من آغاز میشود» را مطرح کرده است.

## عناوین درسی و مواد آموزشی برنامه معنویت برای کودکان<sup>۷</sup>

معنویت برای کودکان شامل برنامه‌های یادگیری معنوی، اجتماعی و هیجانی است. یادگیری اجتماعی - هیجانی فرایندی است که طی آن کودکان و بزرگسالان، دانش و مهارتهای لازم را کسب کرده و بصورت مؤثر اجرا میکنند. این امر بدین منظور است که کودکان توانایی تشخیص احساسات، مدیریت و هدفگذاری آنها، دستیابی به اهداف مثبت، دلسوزی و شفقت در برابر هموعان و آشکار ساختن این حس باطنی، برقراری روابط مثبت دوستانه و سازنده و حفظ آن و نیز توانایی اتخاذ تصمیمهای مسئولانه را بدست آورند.

بر اساس باور متولیان این سبک، در طول این برنامه آموزشی، کودکان قوه صلاحیتهای یادگیری معنوی - اجتماعی و هیجانی خود را تقویت کرده و آن را به فعلیت میرسانند. سبک معنویت برای کودکان بر این باور است که با پرورش هوش معنوی در کنار صلاحیتهای یادگیری اجتماعی و هیجانی، کودکان به تعادل روانی بیشتری خواهند رسید و افراد و شهروندان شادتر و مسئولتری در



جهان خواهند بود و همگام با این موارد، میتوانند ایمان و اعتقادات معنوی خود را نیز ارتقا دهند.

همانطور که پیشتر نیز بیان شد، امروزه سازمان معنویت برای کودکان تقریباً تبدیل به یک سازمان بین‌المللی شده است که در سراسر جهان، نیروهای بسیاری دارد. یکی از علل این پیشرفت، استفاده از تکنولوژی بسیار ساده‌ی است که بکمک اینترنت تحقق پیدا کرده است. علت دیگر آن تبدیل آموزش به آموزش تفریحی است، زیرا این سیستم بر این باور است که کودک در حین آموزش نباید خسته و ملول گردد و هرگز نباید ارتباط او با معلم یا مربی قطع شود.

این برنامه علاوه بر یک ابزار آموزشی همه‌جانبه، دارای کتابهای تمرین شخصی نیز هست که دربردارنده: یک کتاب راهنما برای معلمان (دارای دو سطح ۱ و ۲)، کتاب نور من برای دانش‌آموزان (دارای سطح ۱ و ۲) و کتاب فعالیتهای خانواده (سطح ۱) است. برنامه درسی معنویت برای کودکان داری دو سطح یا دو محور اصلی است که از ارکان اصلی آموزشی این سبک بشمار میرود: پیروزی در بازی زندگی و کشف سفر زندگی.

### سطح یک: پیروزی در بازی زندگی

این سطح از آموزش، کودکان را با بازی زندگی (Game of life) آشنا میکند و شیوه‌ی جذاب و تعاملی بمنظور یادگیری اصول و معانی جهانی دست‌یافتن به سعادت، اعتماد بنفس و رضایت دائمی از خود و جهان پیرامون است. قانون این سطح چنین است: اگر میخواهید بازی کنید، لازم است ابتدا با قواعد بازی کاملاً آشنا شوید. کودکان حین بازی با هدف از تلاش، سهیم‌شدن با یکدیگر و مؤلفه‌های فراتری آشنا میشوند. هر درس شامل فعالیتهایی مانند پروژه‌های ساده و توصیه‌های خوانشی است که به کودکان اجازه میدهد درکی که از خود و جهان اطرافشان دارند را تمرین کنند.

از مهمترین مؤلفه‌های این سطح از برنامه، بهره جستن از اشتباهات یک بازی و تکیه بر این امر است که انسان در زندگی خود دقیقاً شبیه به زمانی که در حال انجام یک بازی است، قوانین، اهداف، بازیکنها، چالشها و فرصتهایی دارد. همچنین در این سطح، کودکان

رهنمونهای اساسی را برای پیروزی در بازی زندگی کشف کرده و درمی‌یابند که باید چالشها را به فرصت تبدیل کرد و بازیکنها و قوانین را بخوبی شناخت. لازم به ذکر است که در این قسمت از بحث، میتوان به اینکه این سیستم تا حدودی تمایل به جبرگرایی دارد نیز پی برد که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

کارن برگ در این سطح آموزشی، هدف اصلی بازی را کسب رضایت و حمایت معنوی میداند که این هدف در قوانین معنوی در جهان، وجود دارد. بعبارت دیگر، اعتقاد کارن برگ را میتوان چنین بیان نمود: قوانینی که در بازی زندگی وجود دارند همان قوانین معنوی جهانی در دنیا هستند.

در کتاب کشف قواعد بازی زندگی که برای آموزش این سطح طراحی شده است، دو بازیکن وجود دارند که همان دو صدای درون انسانها هستند. یکی از این دو صدا صدای حقیقت انسان و دیگری صدای مخالف انسان است. به بیان دیگر، میتوان از این دو صدا به صدای رقیب یا صدای درون و بیرون تعبیر کرد. انسانها میتوانند انتخاب کنند که در هر زمان که بخواهند به صدای حقیقی خود که میتوان از آن بعنوان ندای درونی نیز یاد کرد، گوش فرا دهند. کارن برگ معتقد است این دو صدا که یکی از آنها مثبت و خیر و دیگری منفی و شر است، بر انتخابهای انسان تأثیر فراوانی دارند و بهتر است گفته شود همین دو صدا هستند که منجر به تصمیمگیریهای فرد میشوند (Berg, K., 2012: 138).

در کتاب آموزشی این سطح بدنبال مطرح شدن بحث دو صدای درونی، بحث نور درونی که باعث وضوح و اطمینان است نیز بیان شده و بر این باور است که همه انسانها یک پرتو نور در درون خود دارند که منبع همه انرژیهای مثبت است و همیشه در دسترس اوست و زمانی میتواند راه درست را طی کند که نور مثبت را پاسخگو باشد.

کارن برگ در این سطح آموزش، بر عمل به دانسته‌ها تأکید میکند، با این شعار که تلاش بیشتر میتواند انسان را به دستاوردهای بزرگتر راهنمایی کند.

در ادامه این سطح به بحث چالشهای زندگی پرداخته میشود. همانطور که پیش از این نیز اشاره کردیم، در این



سبک، چالشهای زندگی بسان فرصتی است برای پیشرفت و خودسازی تا فرد بتواند انسان مفیدتری در زندگی خود و بتبع آن در جامعه باشد.

### مؤلفه‌های سطح یک برنامه آموزشی معنویت برای کودکان

همانطور که در قسمت قبل بیان شد، کتاب نور من از مهمترین ابزارهای آموزشی این سطح بشمار میرود. این کتاب، فضایی شخصی برای تمرین و درونی کردن مفاهیم پیروشدن در بازی زندگی را در کودک فراهم میکند. کتب آموزشی دیگر این سطح، حاوی کتاب راهنماست که آموزگاران و دیگر تسهیلگرهای بالغ را به همراه کودکان در بهره‌برداری از دروس سطح اول این برنامه در محیطی گروهی یاری میکند. اما تمامی این کتب و مواد آموزشی مؤلفه‌هایی دارند که عبارتند از:

۱. **زندگی مانند یک بازی؛** تحت عنوان این مؤلفه در سطح یک، آموزش داده میشود که وقتی کودکان احساس ناامیدی و سرخوردگی میکنند، میتوان ابزاری را در اختیار آنها نهاد که با آن بتوانند به پتانسیل و توانمندیهای حقیقی خود پی ببرند. هدف از تأکید بر اهمیت پیروی از قواعد این سطح، دست یافتن به زندگی شادتر و لذتبخشتر است.

۲. **رضایت؛** این درس اینگونه آغاز میشود که افزایش تعداد ابزارهای سرگرم‌کننده، مانند اسباب‌بازی، تنقلات و بازیهای ویدئویی، باعث میشود آنها همیشه در پی کمیت باشند نه کیفیت. همچنین این نکته آموزش داده میشود که چه چیزی به تمایلات کودکان در بازی زندگی انگیزه حقیقی میبخشد.

۳. **نور؛** بحث نور یکی از اصول و ارکان اساسی سبک کارن برگ بشمار میرود. او معتقد است، شاید کودکان در حین آموزش، احساس کنند گم شده‌اند، ترسیده‌اند یا ناامید گشته‌اند، در این درس می‌آموزند، درست همانطور که خورشید همیشه پشت ابرهای سیاه میدرخشد، نور - که در این سبک منبع مثبت‌اندیشی، قدرت، شفافیت و یقین است - نیز همیشه در دسترس انسانها قرار دارد.

۴. **بازیکن کلیدی در بازی زندگی؛** در این مؤلفه چنین بیان شده است که مهمترین بازیکن در بازی زندگی خود انسان است؛ بعبارت دیگر، «من» در هر فرد نقش اساسی را در تعیین سرنوشت او بازی میکند. کارن

برگ بر این باور است که اغلب اوقات، وقتی کودکان احساس دلسردی میکنند، به خودشان شک دارند و آماده تسلیم شدن هستند. در این هنگام است که آنها عبارات ناامیدانه‌یی مانند «من نمیتوانم»، «من به درد هیچ چیز نمیخورم» را با خود زمزمه میکنند. در این درس، کودکان نور وجودی خود یا بعبارت دیگر، ارزش شخصی و فطری و تواناییهای منحصر بفرد خویش را خواهند شناخت.

در یکی از کلیپهای آموزشی این سبک، از یک کودک پرسیده میشود که «امروز بسیار تغییر کرده‌ی، آیا عینکت را عوض کرده‌ی؟ یا لباست تغییر کرده است؟» بدین شکل چندین سؤال را در راستای آن سؤال اصلی مطرح میکند و پس از آن، تسهیلگر پاسخ را اینگونه بیان مینماید که «نوری در صورتت پدیدار شده که سبب تغییر در تو شده است. این یعنی معنویتت افزایش پیدا کرده است».

۵. **رقیب من؛** کودکان در این درس به این نکته پی خواهند برد که چه چیزی آنها را وسوسه میکند تا تصمیمهایی بگیرند که خلاف مصلحتشان است، مثل دعوا کردن با یک دوست، تقلب کردن در امتحان و ...

۶. **انتخابها و تصمیمات؛** گاهی کودکان، دوستان، معلمان و اغلب اوقات، والدین خود را مسئول شادی و رضایتمندیشان میدانند. در این درس، آنها می‌آموزند که شادی و رضایت پایدار نتیجه انتخابهایی است که خودشان انجام میدهند و تصمیماتی که خودشان اتخاذ مینمایند.

۷. **تلاش؛** کارن برگ بر این باور است که هر چه بیشتر امکانات برای کودکان فراهم باشد و هر آنچه می‌خواهند در اختیارشان قرار گیرد، قدردانشان کمتر میشود. در این درس کودکان نحوه کسب معاش را می‌آموزند. به اعتقاد کارن برگ، این آموزش بزرگترین هدیه‌ی است که میتوان به کودکان داد.

۸. **فرمول چهار مرحله‌ی؛** واکنش آنی ما به چالشهای پیش‌رویمان بقدری سریع اتفاق می‌افتد که کنترل و حتی غلبه بر آنها غیرممکن بنظر میرسد اما در این درس فرمولی پیشنهاد میشود که میتواند به متوقف ساختن این واکنشها در مسیری مشخص، کمک کند.<sup>۸</sup>

۹. **قدرت اشتراک‌گذاری و سهیم شدن در داراییها؛** والدین و مربیان دائماً کودکان را تشویق میکنند تا



داشته‌های خود را با دیگران شریک شوند؛ مانند: اسباب‌بازیها، فضایی که در آن قرار دارند، مهربانی و... چه در زمانی که به شریک شدن هر یک از این داشته‌های خود با دیگران تمایل داشته باشند و چه مواقعی که تمایل به انجام چنین کاری ندارند.

کودکان بگونه‌ی پرورش می‌یابند که بنظرشان شریک‌شدن یک فعل نیک است اما اغلب نمیتوانند تشخیص دهند که این کار، چه سود و منفعتی برای آنها خواهد داشت. این درس، انگیزه‌هایی را در اختیار کودکان قرار میدهد تا بتوانند در داشته‌های بیشتری از خود با دیگران شریک شوند. همچنین آنها را با مزایای معنوی اشتراک‌گذاری آشنا میکند.

**۱۰. اتصال موجودات به یکدیگر؛ کارن برگ بر این باور است که کودکان درحالی‌که بسیار درگیر احساسات خود هستند، بدنبال کسب حس رضایت آنی، بدون در نظر گرفتن تأثیر و واکنشهای آن هستند. در این درس، کودکان فرا میگیرند که خود را بعنوان جزئی از یک کل در نظر بگیرند و در نهایت به این نتیجه خواهند رسید که اقداماتشان نه تنها خود آنها را بلکه افراد پیرامونشان را نیز تحت تأثیر قرار میدهد.**

**۱۱. تغییر از خود فرد آغاز میشود؛ بر اساس مؤلفه قبلی که بیان شد، در اتصالی که موجودات عالم با یکدیگر دارند، تغییر در یکی از اجزاء میتواند موجب تغییر کل سیستم شود. کارن برگ بر این باور است که همه کودکان دارای این پتانسیل هستند که در زندگی خود نقش رهبری را برعهده بگیرند؛ حال چه از این واقعیت باخبر باشند یا هیچ آگاهی‌یی از آن نداشته باشند. اما بزرگسالان چگونه میتوانند به آنها کمک کنند تا معنی واقعی رهبر و راهنما بودن را درک کنند؟ این درس به کودکان کمک خواهد کرد تا تواناییهای خود را برای راهنما بودن در زندگی روزمره شناسایی کرده و به این درک برسند که اقداماتشان، حتی اگر اندک هم باشد، تغییراتی بوجود خواهد آورد و تفاوتی را ایجاد خواهد کرد.**

### سطح دو: قدم‌گذاشتن در سفر زندگی

پس از کشف قواعد بازی زندگی در سطح یک، کارن برگ در سطح دو این برنامه آموزشی، بر این باور است که باید به کودکان کمک کرد تا سفر خود را در زندگی

بسمت رضایت درونی سوق دهند. در آموزش این سطح که با بازی همراه است، مانند هر بازی دیگری، هر مرحله جدید با چالشهای جدیدی همراه خواهد بود. کودکان مفاهیمی همچون علت و معلول، قضاوت، تأثیر کلمات و قدردانی را درک کرده و درمی‌یابند که کلمات نیرویی دارند و قادرند انواع تأثیراتی را که انسان در زندگی دارد، تعیین کند. بعنوان مثال، قدردانی به انسان کمک میکند ظرفیت خود را برای موقعیتهای بیشتر و بهتر از آنچه اکنون در زندگی دارد افزایش دهد. همچنین به کودکان می‌آموزد که چالشها بسان فرصتهایی هستند که مسیر رشد و تکامل را به انسان نشان میدهند و او را در مواجهه با آنها توانمند میسازند.

در این سطح نیز مجموعه کاملی از فعالیتها و بازیهای متنوع وجود دارد که به کودکان کمک میکند قواعد معنوی جدیدی را که می‌آموزند، در زندگی روزمره خود اعمال کنند.

در این مقایسه سفری که در این سطح از آموزش بیان کرده‌اند را با سفر کردن بمعنای عام آن، چنین بیان نموده‌اند: از شباهت میان یک سفر با کمک قطب‌نما و نقشه و انتقال کودکان به یک اکتشاف عمیقتر از قوانین معنوی جهانی، درمی‌یابیم که برای رسیدن به اهداف خود، چه اهداف شخصی و چه جهانی، ابتدا باید بدانیم اکنون کجا قرار داریم و در حال رفتن به کجا هستیم.

از این باور چنین برداشت میشود که کودکان باید مبدأ و مقصد خود را دریابند یا قدرت شناسایی آن را (از طریق آموزشهایی که دیده‌اند) بدست آورده باشند. بعبارت دیگر، این سیستم در پی بیان این نکته است که شباهت سفر زندگی و سفر معمولی اینست که وقتی میخواهیم به جایی سفر کنیم، زمین و جهت را ما تعیین نمیکنیم بلکه آنها را میشناسیم و کشف میکنیم، همچنین نیاز داریم که بدانیم کجاییم و در حال رفتن به چه مقصدی هستیم.

### ابزار و دروس تدریس سطح دو برنامه معنویت برای کودکان

ابزار تدریس این سطح، همانند سطح یک است که شامل کتب و برنامه‌های چندرسانه‌یی است که همه ماجراجوییهای انیمیشنی دروس بررسی کردن سفر زندگی را دربرمیگیرد.

کتب این سطح آموزشی همانند سطح یک، شامل

کتاب راهنمای آموزگاران و دیگر تسهیلگرهای بالغ است که بمنظور بهره‌برداری از این دروس در یک محیط گروهی تعلیم داده میشود. همچنین کتاب نور من که جزو کتب آموزشی سطح یک نیز بود و توضیح آن گذشت. لازم به ذکر است که در این سطح از آموزش، موسیقی نیز به ابزار آموزشی اضافه شده است. این سیستم بر این باور است که موسیقی مانند اصول و مبانی‌یی که در جلسات آموزشی این سبک تدریس میشود، جهانی است.

کارن برگ معتقد است موسیقی از طریق نتها، ریتمها و اشعار با انسان سخن میگوید و الهامبخش این موضوع است که باید بسمت جلو در حرکت بود. عبارت دیگر، موسیقی انسان را به حرکت درمی‌آورد، همچنین باعث بالا بردن سطح آموزش و حمایت از مفاهیمی میشود که این سبک به تدریس آنها میپردازد.

میشل برگ نویسنده این کتب درسی بر این باور است که بزرگترین هدیه‌یی که میتوان به کودکان داد، قدرت فائق آمدن بر مشکلات است. داوری درباره انسانها، غلبه بر تردید، درک قدرت کلمات و قدرشناسی نیز از دیگر مباحث و محتویات این کتب بشمار میرود.

این تمامی منابعی است که در آموزشهای این سیستم، توصیه و ارائه شده است. همانطور که شاهد آن هستیم، در تمام این کتب آموزشی، بحث نور اصلیتین مبحث است زیرا نور درونی از مهمترین و اساسیتین زیربناهای مباحث کابالایی بشمار میرود.

### مؤلفه‌های سطح دو برنامه معنویت برای کودکان

اولین مؤلفه، قوانین است؛ کودکان باید بیاموزند که چگونه یک بازی ساده را انجام دهند.

در تمرینهای سرگرم‌کننده‌یی که در کتب سطح دو وجود دارد، کودک نقاطی را به هم متصل میکند تا شکلی پدید آید؛ با این شیوه که ابتدا داده‌هایی که در اختیار کودکان قرار دارد تعدادی شماره پراکنده است که طی بازی با آنها، تصویری پدید می‌آید که زیبا نیست. در قسمت بعد، داده‌ها شماره‌های صحیحی هستند که وقتی کودک آنها را به هم متصل میکند، تصویر زیبایی پدید می‌آید و در پایان از کودک میخواهد تا نتیجه‌یی که از این تمرین گرفته و هر آنچه را که آموخته است، درون جدولی که در انتهای صفحه قرار دارد بکمم تسهیلگر بیان کند.

بنابراین، کودک دوبار یک نقشه یا طرح را بتصویر میکشد، بار اول تصویر نامتناسب و نازیبایی پدید می‌آید و بار دیگر که آن را اصلاح میکند، تصویری زیبا و متناسب آشکار میگردد. در این بخش نیز هم بر لغات و کلام کودک تأکید و تمرین میشود و هم هدفی را برای او به‌مراه دارد.

دومین مؤلفه در این سطح، «اهداف» است که بسبب درس گذشته، بازیبایی برای آن در نظر گرفته شده است. بعنوان مثال، این سؤال مطرح میشود که من چه چیزی میخواهم و پس از بدست آوردن آن باید چه کنم.

در این سطح همچنین تفاوت بین نیاز (Need) و خواست (Want) که یکی از بحثهای فلسفی سعادت است را به کودکان آموزش میدهند و کودک می‌آموزد که آیا هر آنچه را که من میخواهم (Want) واقعاً به آن نیاز (Need) دارم و اگر زمانی آن را بدست بیاورم چه تحولی در من رخ خواهد داد؟ این پرسش به این شکل برای کودک مطرح میشود: گمان کن آنچه میخواهی را اکنون در اختیار داری، بعد از آنچه خواهد شد یا با آن چه خواهی کرد؟

### کاربرد و مشخصه‌های سطح یک و دو برنامه معنویت برای کودکان

سبک معنویت برای کودکان بر این باور است که پیروزی در بازی زندگی و کشف سفر زندگی، یک برنامه گام بگام، سرگرم‌کننده و تعاملی ایجاد میکند که میتواند با نیازها و توانمندیهای هر کودکی در جهان منطبق گردد و این بزرگسالان هستند که مقدار زمانی که برای هر درس لازم است را تعیین میکنند.

در این سبک بطور میانگین، هر درس میتواند در ۴۵ الی ۵۰ دقیقه آموزش داده شود و پایه‌یی برای دروس بعدی بکار رود. کارن برگ بر این باور است که یادگیری باید در نظام موجود اتفاق بیفتد.

برنامه درسی برای پرداختن به نیازهای هر دانش‌آموز طراحی شده است و برای بکار گرفتن ابزارهای مختلف یادگیری از قبیل سمعی، بصری و حرکتی، از فیلمهای سرگرم‌کننده، کارتونها، بازیها، فعالیتهای هنری، روزنامه‌نگاری و غیره استفاده میشود. درسهای بصری (ویدیویی) مهره اصلی این برنامه هستند، فیلمها نقش معلم را دارند که به والدین یا معلم کلاس اجازه میدهد به



یک تسهیلگر تبدیل شوند، کودکان را در فعالیتهایشان راهنمایی کنند و آنها را به خوداندیشی و تأمل عمیق تشویق نمایند. در خلال سؤالها، معلم به کودکان اجازه میدهد که خودشان به نتیجه‌گیری برسند و از مفاهیمی که تعلیم می‌بینند، در زندگی خود استفاده کنند.

داستان اصلی که در این سیستم بیشترین تمرکز بر روی آن قرار گرفته است، داستان زندگی پسر بچه‌یی است که همچون بسیاری از کودکان، آرمانگرا و متعجب است. وی به اسباب‌بازی‌فروشی می‌رود و پس از کنجکاوپهای فراوان، فروشنده میل شدید به یادگیری را در درون کودک مشاهده کرده و بازی ویژه‌یی بنام «بازی زندگی» را به او میدهد. هنگامی که کودک شروع به استفاده از این اسباب‌بازی مینماید، ناگهان خود را در دام دنیای دیگری می‌بیند که در آن مجبور است قواعد بازی را یاد بگیرد تا به خانه و زندگی قبلی خود بازگردد. کارن برگ معتقد است هر آنچه کودکان در این بازی فرامیگیرند، در زندگی واقعی نیز بکمک آنها خواهد آمد.

در این سبک آموزشی کودکان می‌آموزند تا در جستجوی علتها باشند، نه معلولها و یکی از درسها در این راستا مربوط به خواست و تمایل است. تمامی جنبشها و حرکات با یک خواست شروع میشود.

کارن برگ بر مبنای باور کابالیستی خود معتقد است، نمیتوان بدون خواست و تمایل تغییری را ایجاد، آشکار و ارائه کرد (Berg, K., 2015: 28). بر اساس این دیدگاه، تمایل، محرک انسان برای بدست آوردن نیازهای اولیه خود است که در نهایت مسبب طلب فرزاندگی و رضایت درونی میشود. وقتی انسان تمایل به انجام کاری دارد، تحت کنترل تمایل در جهت یک هدف مشخص پیش میرود. کابالا میل را یک نیروی محرکه در جهان میداند (Ibid: 36).

### معنویت برای والدین<sup>۹</sup>

سبک معنویت برای کودکان در راستای رسیدن هرچه بیشتر و بهتر به اهداف خود، طرحی بنام «معنویت برای والدین» (Spirituality for Parents) را نیز پایه‌ریزی کرده است. این ایده را میشل برگ اجرایی کرده و سایتی را با عنوان «معنویت برای والدین» طراحی نموده است. او بر این باور است که تلفیق آموزشهای سبک معنویت برای کودکان و معنویت برای والدین میتواند بعنوان منبعی

بسیار پربار و ارزشمند برای آن دسته از افرادی که به فرزندپروری با نکته‌های معنوی آگاهانه و عملی علاقمندند، عمل کند. ایده‌های ارائه شده در این زمینه عبارتند از: شخصیت‌سازی، توسعه مهارتهای زندگی، افزایش اعتماد بنفس، آموزش همدلی، غلبه بر زورگویی، درک ارزشمندی صبر و مدارا، درک اهمیت تلاش، یادگیری فرزندپروری اجتماعی معنوی و بسیاری از مسائل عمومی مربوط به فرزندان و والدین (sfk.org A).

کارن برگ مدعی است هنگامی که فردی پدر یا مادر میشود، این امر همچون تبدیل شدن فرد به نور است، زیرا فرصتی برای انسان فراهم می‌آورد که میتواند او را به درجات بالایی از کمالات معنوی برساند. انسان با قدم نهادن در این مسیر میتواند خود را به نور برساند. بنابراین به هر میزانی که این نقش اصلاح شده و بهبود یافته‌تر به کودکان ارائه شود، در مقابل دریافت بهتری از آن منعکس خواهد شد.

طبق بررسیهای انجام شده، در بین اعضای این طرح والدینی قرار دارند که یا از یکدیگر جدا شده‌اند یا گاهی بصورت جدی به اجرایی کردن این مسئله اندیشیده‌اند. میشل برگ در این زمینه به تحقیق و بررسی پرداخته است و در اینباره نکاتی را به والدین یادآوری میکند. بعنوان مثال، در جایی مینویسد «من بعنوان یک فرزند طلاق، میتوانم این مشکلات را درک کنم. والدین من زمانی که هشت‌ساله بودم از یکدیگر جدا شدند و پس از آن، مادرم به کسب دانش در اسرائیل پرداخت تا به معنویت برسد. در این راه من نیز با او همراه بودم. بنابراین از همان سنین کودکی و نوجوانی با معنویت در ارتباط بودم و آن تجربه باعث شد در زمینه معنویت آگاهی بدست آورم و بتوانم آن را برای کودکان نیز به ارمغان بیاورم» (Ibid).

میشل برگ معتقد است ایفای نقش پدرمادری کاری بسیار جدی است. بنابراین لازم است این مسئولیت را بطور جدی انجام دهیم. او همچنین یکی از بزرگترین موانعی که پدر و مادرها با آن مواجه هستند را احساس گناهکار بودن در قبال فرزندان خود میداند؛ به این دلیل که میپندارند زمان کافی برای کودکان خود صرف نکرده‌اند یا تربیت نادرستی را در قبال آنها انجام داده‌اند. از نظر میشل برگ، این احساسات والدین را بسمت کارهای ناشایست دیگری راهنمایی خواهد کرد که میتواند

وسوسه انگیزتر از غلتیدن در گناه باشد.

در کابالا فرض این قضیه که احساس گناهکاری میتواند نشان از این باشد که من انسانی معنوی هستم، همچنین میتواند خطایی بزرگ بشمار آید. از چشم‌انداز کابالیستی ابراز گناه تنها یک هدف دارد و آن وادار کردن انسان به تغییر است (شولم، ۱۳۸۵).

یکی از مهمترین مباحثی که در کابالا و بتبع آن در سبک کارن برگ، تدریس میشود، ارزش اتصال و ارتباط با نور و انرژی بیپایانی است که در قلب آفرینش قرار دارد و ریشه اصلی شادی و رضایتمندی از زندگی انسانهاست. از نظر سیستم معنویت برای کودکان، والدین با ارائه عشق خالص به فرزندانشان، در حقیقت، بهترین دارایی خود را در اختیار نور درونی آنها قرار داده‌اند. همچنین برای فرزندان نیز مهم است که قادر به پیدا کردن خویش باشند و از نظر میشل برگ نکته اساسی اینجاست که با قبول این فرض که همه والدین کودکان خود را دوست دارند، آیا میتوانند بخوبی این عشق و علاقه را به آنها انتقال دهند؟ آیا راهی وجود دارد که این عشق را بشیوهی متفاوت ابراز کرد که کودکان آن را درک کنند؟

میشل برگ همچنین در این بحث معتقد است که امکان دارد انسان به این درک برسد که دوست داشتن فردی دیگر، بویژه فرزند، کار راحت و مقبولی است، ولی همانند تمام افعال نیک در این دنیا نیازمند توجه و تلاش است (sfk.org A).

چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، کارن برگ بر اهمیت ارتباط والدین با کودکان خود تأکید فراوانی دارد و این را به معنی درک این مسئله که آنها چه کسانی هستند بیان مینماید و معتقد است این امر، به والدین در بهتر پرورش دادن فرزندان بسیار کمک میکند (Berg, K., 2012: 254).

میشل برگ معتقد است والدین باید پشتوانه معنوی برای کودکان خود باشند. اگر والدین در یک مسیر مذهبی یا عرفانی نقش فردی طالب را بازی کنند، ایفای نقش والدینی میتواند چالش مهمی را پیش روی آنها قرار دهد. همچنین معتقد است یافتن تعادلی مناسب بین هدایت کودکان در مسیری که والدین آنها در آن قرار دارند، درحالیکه به کودکان آزادی عمل کافی میدهند تا راه خود را بیابند و روح و هدف خود را به یکدیگر متصل سازند،

یکی از اساسیترین اصول و مبانی معنویت برای والدین است (sfk.org C).

میشل در آغاز طرح معنویت برای والدین به این نکته اشاره میکند: «همان تغییری باشیم که میخواهیم در فرزندانمان مشاهده کنیم». وی تأکید میکند که کودکان بدون پدر و مادری معنوی، معنوی نخواهند شد.

### روشهای ارتقای معنویت در کودکان

طبق بررسیهایی که در این پژوهش بر ساختار و مبانی سبک معنویت برای کودکان کارن برگ صورت گرفت و نیز با بررسی آموزشهای مجازی و کتب آموزشی این سبک، به روشهایی دست یافتیم که بمنظور افزایش سطح معنویت در کودکان ارائه شده است. در یک تقسیمبندی کلی، این روشها را میتوان تحت چهار عنوان قرار داد که عبارتند از: تمرین و تجربه، پرورش در عمل (ارائه الگو)؛ فراهم کردن زمینه، آموزش قدردانی و قدرشناسی، و آشنا کردن فرد با مشکلات.

در تمرین و تجربه، برای ارتقای معنویت در کودکان، آنها را مجهز به ابزاری برای داشتن عشقی پایدار به خود و جهان پیرامونشان، همراه با رحم و شفقت به هموعان میکنند، زیرا طبق باور آنها هیچ چیز در این جهان همانند کاشت بذر نیکی و مهر، موجب برداشت و توسعه نیکی و مهربانی نخواهد شد. همچنین بر این باورند که با وجود اینکه کودکان در دوره‌ی از رشد و نمو خود با رنج و زحمت و ناامیدی مواجه میشوند، تجربه روابط عاشقانه و دلسوزانه و محبت‌آمیز، به کودکان کمک میکند طی نبرد زیستن، به بزرگسالان شایسته‌تر و نیکتری مبدل گردند.

برونفن برنر (Urie Bronfen Brenner) روانشناس آمریکایی و طراح نظریه سیستمهای شناختی، توصیه میکند که هر کودکی باید مقدار قابل توجهی از زمانش را با کسی که دیوانه‌وار عاشق اوست، صرف کند. او بر این باور است که حداقل یک نفر وجود دارد که رابطه غیرعقلانی و غیرمنطقی و سراسر محبت و عشق با یک کودک داشته باشد و او کسی است که فکر میکند این کودک از کودکان دیگر برایش با ارزشتر و مهمتر است؛ کسی که عاشق این کودک است و در مقابل، کودک هم به او عشق میورزد (sfk.org C). بعبارت دیگر، ایجاد احساس تعلق اساسیترین اصل ساخت و شکلگیری



معنویت در کودکان است. زمانی که کودکان نیاز به اصلاح و تأدیب و تربیت شدن دارند، میتوان بجای اینکه بر تنبیه تمرکز کنیم، بر آموزش مناسب و صحیح متمرکز شد.

### ارائه الگویی برای پرورش کودکان در سبک کارن برگ

کارن برگ بر این باور است که کمک به پرورش کودکان، یک دیدگاه اصیل، شریف و ارزشمند است. خوبی و نیکی در خلاء نخواهد رویید و رشد و نمو نخواهد کرد بلکه مستلزم آنست که به کودکان بصیرت بیشتری نسبت به افراد و اعمالی که عموم انسانها آنها را ستوده و نیک می‌انگارند، داده شود. یقیناً ابزاری همچون رسانه‌ها نیز وجود دارند که نمونه‌های فراوانی از نادرستی، عدم امانتداری و خشونت را برای کودکان تدارک مینینند، اما میتوان با تدبیری احسن در مقابله با هجوم ابزاری مانند رسانه، کودکان را در معرض نمایشهای با قاعده و شایسته قرار داد.

روشهای فراوانی بمنظور تحقق این امر وجود دارد. بعنوان مثال، میتوان موارد نیک و ستوده‌یی را که در افراد پیرامونمان ملاحظه و تحسین میشود، به کودکان متذکر شد. حتی ممکن است برای این کار کودکان را به ملاقات افراد بزرگ و شایسته ببریم، تا اطلاعاتی از خدمت یا کار نیکی که در زندگی خود انجام داده‌اند در اختیار آنها قرار دهند همچنین میتوان در این راستا، داستانهایی از قهرمانان تاریخی برای کودکان تعریف کرد و شاید داستان زندگی یک چهره مذهبی و خدمات نیک او یا شجاعت و دلاوریهای افراد نیک را برای آنها تعریف کرد (Berg, K., 2012: 108-113).

در مورد آگاه کردن کودکان از قدردانی و قدرشناسی نیز راه حل این سبک آنست که تمرکز بیشتری بر قدردانی و شاکر بودن در زندگی وجود داشته باشد. بدین منظور پیشنهاد شده است در جمع خانواده برای فکر کردن درباره موضوعاتی از این قبیل سؤالاتی مطرح شود که، اگر غذا نداشته باشیم یا نتوانیم بخوبی تنفس کنیم یا خانواده خوبی نداشته باشیم، چه اتفاقی رخ میدهد؟ در اینباره عده‌یی از روانشناسان بر این باورند که بسیار خوب و پسندیده است که قدرت قدردانی را در کودکان افزایش دهیم تا نسبت به آنچه فاقد آن هستند، رضایت پیدا کنند و قدردان و شاکر نعمتهایی که در اختیار دارند شوند و نیز درباره آنچه ندارند شکایتی نداشته باشند (Gottman, 1997: 23).

به اعتقاد کارن برگ، منظور از آشنا کردن فرد با مشکلات،

آنست که میتوان با بازگو کردن تجربیات شخصی از مشکلات و گرفتاریها، به پرورش شخصیت کودکان، کمک شایانی کرد. در این صورت، کودکان می‌آموزند از میان چندین انتخاب و گزینه، بهترین انتخاب را داشته باشند و نیز از میان فرصتهایی که برایشان مسئولیت ایجاد میکند، عهده‌دار مسئولیتی شوند (Berg, K., 2012: 110). بعنوان مثال، کودکان باید مسئولیت کارهای روزمره خود را بر عهده گیرند، هرچند این کارها دشوار باشد، زیرا از این طریق درگیر دو امر خدمت کردن و انجام وظیفه خواهند شد.

همچنین عده‌یی از روانشناسان غربی در اینباره بر این باورند که کودکان باید از انتخاب کوچکترین چیزها، مانند انتخاب لباس مناسب تا موارد بسیار دشوارتر، آزادانه تصمیم بگیرند (Gottman, 1997: 23).

بگفته متولیان این امر، نوع روش تربیتی که سبک اس اف کی (SFK) از آن استفاده میکند و همچنین الگویی تربیتی که ارائه داده است، بر کودکان تأثیر بسیاری دارد. بعنوان مثال، هنگامی که با کودکان به استدلال پرداخته میشود و به آنها کمک میشود تا درک کنند و بفهمند که چگونه اعمال و رفتارشان بر دیگران تأثیر دارد، از احساسات گوناگون هموعان خود، بیشتر آگاه میشوند و بسیار بهتر میتوانند مسئول و عهده‌دار تصمیمات خود باشند. کارن برگ در اینباره نظر برخی روانشناسان را با مثالی مطرح نموده است؛ هنگامی که یک کودک با خواهر یا برادر خود با خشم و عصبانیت رفتار میکند، والدین میتوانند صبر کنند تا کودک کمی آرام شود و سپس او را فرا بخوانند و از او بخواهند که به این موضوع فکر کند که عصبانیت و خشم او چه تأثیرات منفی‌یی بر خواهر یا برادرش گذاشته است؟ همچنین این باور نیز وجود دارد که میتوان به آنها کمک کرد تا درباره روشهای دیگری در زمینه رفتار و اعمالی که انجام میدهند بیندیشند (sfk.org C).

### مأموریت برنامه معنویت برای کودکان سبک کارن برگ<sup>۱۰</sup>

بیش از یک دهه گذشته، کارن برگ با تصور اینکه فردی که مفاهیم معنوی را در سنین کودکی فراگیرد میتواند در مقایسه با سایر افراد پیرامون خود، تصمیمهای بهتر و معقولتری را در طول حیاتش اتخاذ کند، این سبک را بنیان نهاد. همچنین این تصور عاملی برای فعالیت در مورد توسعه معنویت برای کودکان شد. کارن در این راستا سفرهای گسترده‌یی داشته است تا بتواند پیام خود را از

معنویت جهانی و صلح، به گوش جهانیان برساند.

کارن برگ تأکید میکند که این سبک مأموریت دارد ابزارهای معنوی جهانی را به کودکان عرضه نماید، چراکه این امر به آنها کمک میکند استعدادهایشان را بشناسند و حس هدفمندی خود را در زندگی عمق ببخشند. او همچنین بر این باور است که این سبک نه تنها برای کودکان بلکه برای تمامی افراد جهان در راستای کمک به کودکان در نظر گرفته شده است؛ بدین منظور که کودکان را برای کسب و تقویت اعتماد به نفس توانمند سازند.

از دیگر مأموریت‌هایی که کارن برگ و همکارانش به آن اذعان مینمایند، توسعه برنامه‌های بیشتر، ترجمه آنها به زبانهای مختلف دنیا و ارائه ابزارهای معنویت برای کودکان بصورت حداکثری در سرتاسر جهان است.

میشل برگ بر این باور است که بطور کلی، مأموریت برنامه معنویت برای کودکان ایجاد برنامه‌ها و مطالبی است که جهانی و در دسترس هستند و ارائه آن نیز (به بیشترین میزان ممکن) در سراسر جهان است.

نکته‌یی که از نظر این سیستم برای داوطلبان آن بسیار مثبت تلقی میشود اینست که همه چیز در آن آزاد و رایگان است. همچنین علاوه بر استفاده از راههای مختلف یادگیری در این سبک که استفاده از ویدئوها، انیمیشن‌ها، بازیها، فعالیتهای هنری، روزنامه‌نگاری و غیره را شامل میشود، این سبک بر این باور متکی است که برنامه‌های معنویت برای کودکان به کودکان کمک میکند بتوانند از نیروهای درونی خود بهره‌برداری کرده و دریابند که نیروی فائق آمدن بر چالشها نزد خود آنهاست.

برگ همچنین معتقد است این سبک برای دست‌یافتن کودکان به این نیرو ابزاری را بمنظور دسترسی بهتر آنها به مفاهیم معنوی و نیز درک درست و مفهومی از این مفاهیم به کودکان ارائه میدهد. لازم به ذکر است که این سیستم بدنبال سفیرهایی برای توسعه هرچه بیشتر این برنامه با زیر بنای کابالایی به سراسر جهان است و در سایت خود از افراد تمامی کشورها در زمینه همکاری با این سیستم بعنوان سفیر، دعوت بعمل آورده است. در این راستا برای علاقمندان به همکاری با این سیستم مواردی مطرح شده است که میتوان آن را نوعی تهدید برای جوامع، بویژه جوامع اسلامی برشمرد. در زیر به چند نمونه از این موارد اشاره میشود:

۱. تسهیل ارتباطات بین برنامه معنویت برای کودکان و مدارس و سازمانها،

۲. تسهیل ارتباطات بین برنامه معنویت برای کودکان و مؤسسات خیریه یا اهداکننده‌های احتمالی،

۳. جمع‌آوری کمک مالی برای سرمایه‌گذاری وب سایت و ترجمه‌های کتابهای تمرین،

۴. سازماندهی یک کلاس معنویت برای کودکان جامعه خود،

۵. ایجاد و راهنمایی یک تیم از داوطلبان.

میشل برگ بصراحت بیان میکند که سالها فرصت داشته است به کشورهای مختلف سفر کند و با خانواده‌های مختلفی دیدار نماید. بگفته وی اساسیترین دستاورد او درک انگیزه و نیاز کودکان و بزرگسالان در راستای آشنایی با ابزار معنوی بود.

سیستم معنویت برای کودکان از سال ۲۰۱۴ یک روز را بعنوان روز سرگرمی با خانواده نامگذاری کرده و هر سال در آن روز به یک سرگرمی همگانی همراه با کودکان میپردازند. برای این روز در سایت رسمی مجموعه‌یی از خانواده‌ها دعوت شده‌اند که به این گروه سالانه بپیوندند. طبق گزارشی که از سایت رسمی این سبک بدست آورده‌ایم، چهارم می ۲۰۱۴ اولین روز سرگرمی سالیانه خانواده در نیویورک برگزار شده و بیش از ۳۰۰ شرکت کننده داشته است که همه آنها در آرای خود اذعان نمودند که لحظات خاصی را با سبک معنویت برای کودکان تجربه کرده‌اند. دومین روز سرگرمی سالیانه خانواده، اول مارس ۲۰۱۵ در شهر نیویورک برگزار شد که خانواده‌ها را به یک مراسم بزرگ تست کردن نوشیدنیها دعوت کرده بودند. به اعتقاد مسئولین این سیستم، روز سرگرمی خانواده در برنامه معنویت برای کودکان موجب رساندن مفاهیم معنای زندگی میشود که کودکان در آن از طریق ارائه تعاملی بازیها و فعالیتهای جالب توجه، جایزه میگیرند. این سرگرمیها از تمرینات آگاهی و مسابقات استعدادیابی تا همایشهای ورزشهای رزمی و پروژه‌های هنری متغیر است و کودکان ابزارهایی را برای آموزش نحوه ارتباط برقرار کردن با دیگران بدست می‌آورند و سپس آن را برای کسب امتیاز مبادله مینمایند و در نهایت به فضایی مملو از سرگرمیهای غافلگیرکننده وارد میشوند که بمنظور قدردانی از زحمات آنها طراحی شده است.

سومین سالروز سرگرمی سالیانه برنامه معنویت برای



کودکان، دوچرخه‌سواری بود که در سال ۲۰۱۶ در شهر نیویورک انجام شد. عنوان پیام دعوتی که برای این روز طراحی شده بود «پیوستن به معنویت برای کودکان» بود و در آن برای حمایت از این طرح ۳۳ مایل از میان خیابانهای منتهن و بروکلی دوچرخه‌سواری کردند.

این سبک آموزشی، مأموریت خود را جهانی میداند و بر این باور است که باید این سبک در سراسر جهان با کمک مردم جوامع، اجرایی و محقق شود و به اهداف خود دست یابد.

### اهداف برنامه معنویت برای کودکان سبک کارن برگ

بر اساس دیدگاه کارن برگ در سبک معنویت برای کودکان، آموزشها بمنظور کمک به کودکان در مدیریت چالشهای زندگی در آینده، گرفتن تصمیمات مناسب، بدست آوردن نتایج مطلوب حاصل از انجام این امور و در کل، تغییر برنامه زندگی کودکان در آینده و همچنین منفعت فراوان برای نسلهای آینده انجام میشود.

این مجموعه بر این باور استوار است که آموزش معنوی، اجتماعی و هیجانی‌بی که معنویت برای کودکان به ارمغان می‌آورد میتواند جریان زندگی کودکان را در جهت آینده‌یی هدفمند و سرشار از آرامش، شکوه انسانی و موفقیت، تغییر دهد. همچنین بر آن است که کودکان را به این درک برساند که آنها شایستگی رسیدن به اهداف مشخص خود را دارند و این در حالی است که بتوانند در این راه احساس رضایت درونی داشته باشند. همچنین خواستار این است که کودکان در آینده احساس خوبی نسبت به خود داشته باشند.

یکی دیگر از اهداف کارن برگ که به اعتقاد خودش به آن دست یافته، اینست که توانسته بمنظور ایجاد صلح، در میان گروه‌های مختلف برخی از جوامع، بعنوان یک پل و رابط عمل نماید و این امر را با تعلیم و ترویج اصول کابالیستی و افزایش آگاهی از شباهتها و تفاوتها انجام دهد.

در یک نتیجه‌گیری کلی میتوان هدف معنویت برای کودکان سبک کارن برگ را تشویق کودکان به مؤلفه‌های زیر دانست: ۱. افزایش خودآگاهی؛ ۲. تأثیرگذاری بر اهداف در زندگی؛ ۳. گرفتن تصمیمات خردمندانه و درک تأثیر انتخابها؛ ۴. انعطاف‌داشتن و با چالشها و تهدیدات زندگی بسان فرصت رفتارکردن (تبدیل تهدید به فرصت)؛ ۵. مسلح‌کردن کودکان به ابزارهای رفتاری بمنظور به اجرا درآوردن هر چه بیشتر تعلیمات معنوی در زندگی؛ ۶. بهره‌برداری از نیروهای درونی و پرورش عزت و اعتبار خود؛ ۷. بیدار نمودن خواسته‌ها یا آنچه مطلوب فرد است،

بمنظور ایجاد تغییر در جهان پیرامون.

### تفاوت برنامه «فلسفه و کودک» و معنویت برای کودکان

برنامه «فلسفه و کودک» رویکردی کاوشگرانه در امر تعلیم و تربیت کودکان است، به این معنا که کودکان، به جای آنکه نتایج و آرای دیگران را حفظ و بیان کنند، از آنان توقع می‌رود در هر حیطه‌یی، شخصاً به جستجو و تأمل بپردازند. «فلسفه و کودک» تلاشی برای بازسازی و ارائه تاریخ فلسفه بطریقی است که کودکان بتوانند آن را به خود اختصاص دهند، تا بخوبی در حالتی خود اصلاح‌گرانه بیندیشند. برای کودکان آنچه بمنظور ایجاد توانایی خوب فکرکردن برای خود درباره موضوعات مهم ضرورت دارد، اقدام تعلیم و تربیتی متشکل از مباحثات فلسفی در بطن کاوش جمعی کلاسی است. چنین جامعه‌یی هم خود را صرف پرورش تفکر خلاق و نقاد و قضاوت پسندیده میکند. اما بیش از این، «فلسفه و کودک» یک روش تأمل مباحثه‌یی است که با ۲۵ قرن نظامهای فکری و آرای گوناگون درباره ماهیت عالم، ویژگیهای یک زندگی پسندیده و پرورش خرد پیوند دارد (Sharp and Reed, 1992).

تفاوت بارزی که میان سبک معنویت برای کودکان و «فلسفه و کودک» وجود دارد اینست که در برنامه معنویت برای کودکان، ضمن تأکید فراوان بر تصمیم خردمندانه، بحث خردورزی مورد توجه قرار نگرفته است، زیرا هیچ استدلالی برای چگونه فکرکردن وجود ندارد بلکه تأکید فقط بر نور درونی انسان است. این درحالی است که در «فلسفه و کودک» شاهد مباحث خردورزی و نحوه استدلال صحیح هستیم. از طرفی، با توجه به اینکه تمام بحث در سبک معنویت برای کودکان در رابطه با نیرویی است که در درون انسان قرار دارد، این پرسش پیش می‌آید که معناداری زندگی، چگونه تأمین میشود؟ و این امر بدون ارتباط با یک عامل بیرونی، چگونه تحقق‌پذیر خواهد بود؟ همچنین یکی از انتقادات اساسی ما در این قبیل مباحث که تمامی آنها ناظر به آینده است نه گذشته، اینست که در سبک معنویت برای کودکان هرگز به بحث تحول وجودی که در دستة مباحث خردورزی میگنجد، اشاره‌یی نشده است.

### نقد و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر را میتوان در قالب چند



نقد اساسی وارد بر این سبک بیان نمود:

۱. مفهوم معنویت که از ارکان اصلی این سبک بشمار می‌رود، کاملاً مبهم است. در استناداتی که در راستای این پژوهش به بررسی آن پرداخته شد، در سبک معنویت برای کودکان، هرگز بطور دقیق به بیان ماهیت و چیستی معنویت پرداخته نشده است بلکه تنها به بیان هدف بسنده کرده و تعریفی که ارائه نموده‌اند یک تعریف غایت‌محور است نه تعریف به خود معنویت. بنابراین سؤالی که مطرح می‌شود اینست که این سبک و چه چیزی را بعنوان معنویت مورد بحث قرار داده است؟ در پاسخ به این پرسش میتوان به همان نور درونی انسان اشاره کرد که در جای جای این سبک بنحوی بدان پرداخته شده است.

۲. در سیستم معنویت برای کودکان، نام هیچ خدایی بعنوان خدای خالق ذکر نشده است. کارن برگ در کتاب *دامه* دارد خود، کلمه خالق (The creator) را مطرح میکند اما نه بعنوان «خالق کلّ شیء» یا خالق همه موجودات و ممکنات، بلکه خدای مدنظر او همان جرقه نور درونی موجودات و منبع آن است که ماهیت همین نور نیز مبهم است. بنا بر این قاعده، فرد با یک امر متافیزیکی بنام خدا در ارتباط نخواهد بود، زیرا پایه و اساسی برای آن وجود ندارد.

یکی از پیشفرضهایی که در اینباره وجود دارد اینست که چون این سیستم با هدف جهانی و بین‌المللی شدن شروع به فعالیت کرده، بدلیل اینکه مباحث دافع‌یابی نداشته باشد و همه افراد جهان بتوانند گرد هم آیند و با هم به پیشرفت در تعلیم معنوی که هدف این سبک است دست یابند، بحث پیرامون خدا را حذف نموده‌اند. این پیشفرض از آنجا نشئت می‌گیرد که دین یهود نیز همچون دیگر ادیان الهی دارای «خدا» است. اما در این سیستم هیچگونه اشاره‌ی به واژه «God» یا هر عنوان دیگری از خدا، یافت نمیشود بلکه تنها سخن از نیروهای طبیعت و نیروی درونی فرد است که میتواند وی را رهبری و هدایت نماید و تنها دارایی اوست.

بنابراین میتوان این پرسش را مطرح کرد که آیا حقیقتاً این امکان وجود دارد که بتوان به امری معنوی پرداخت که در آن هیچ خدایی وجود نداشته باشد؟ این در حالی است در نظام اسلامی بحث معنویت بدون خدا و یک امر متعالی را نمیتوان معنویت بمعنای حقیقی آن دانست. در واقع میتوان معنویت سبک کارن برگ را معنویتی اومانستی که در پی خدا شدن بشر است، دانست.

بنظر میرسد طرح مفهوم معنویت بدون در نظر گرفتن هیچ بنیادی، نوعی «نیست‌انگاری» را پیش میکشد. معنویت در این سبک، به هر شکل که تعریف شود، بدون خدا و امر متعالی، معنویتی بی‌بنیاد است. در حقیقت، نیست‌انگاری در قالب دیگری به نام معنویت نمایانگر شده است. بعبارت دیگر، معنویت بنیانی به نام امر متعالی دارد اما این سبک از معنویت، بسیار مبهم و ناموزون است و هر فردی میتواند بدلخواه خود، تعریفی از آن ارائه دهد. چنین معنویتی سر از نسبیت درخواهد آورد، زیرا بنیاد ندارد و هرکس خشنودی خاص خود را دارد و هر فردی بگونه‌ی شاد خواهد شد. این امر میتواند بدلیل تضاد خشنودیها، تفاوت فرهنگها و تربیتها و دیگر موارد، ضد معنویت را به‌رمغان آورد.

۳. اینک این سؤال مطرح میشود که ارتباط این مباحث با دینداری چیست؟ طرح این سؤال از آن جهت است که طبق آنچه این سیستم بیان نموده است، هر کس با هر تفکر و پیش زمینه اعتقادی میتواند وارد آن شود. همچنین سؤال دیگر آنست که این ارتباط از لحاظ نسب اربع، چگونه اشتراکی است؟ بعبارت دیگر، اشتراک من وجه دارد یا اشتراک مطلق؟ یا اینکه متباین هستند و هیچگونه ارتباطی با یکدیگر ندارند.

ضمن پاسخ به این پرسش به یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش اشاره میشود و آن اینکه: با توجه به میزان اقبال و توفیق معنویت برای کودکان بطور عام و نیز در چنین سبکی که در حال ارائه شدن است بطور خاص و با استناد به جوایزی که سبک معنویت برای کودکان کارن برگ بدست آورده است و کاربرانی که از سراسر جهان با دینهای متفاوت را به خود جذب کرده است،<sup>۱۱</sup> میتوان به این نتیجه رسید که این سبک تا حد قابل ملاحظه‌ی به شعار اصلی خود که همه کودکان در سراسر جهان و با هر دینی، باید تجارب معنوی داشته باشند، پایبند بوده و آن را به اجرا درآورده است. بنابراین، همچنانکه پیش از این اشاره شد، اینکه اکثر مخاطبان این سبک اعلام نمایند که مسیحی هستند یا مسلمانند، تأثیری بر عملکرد جنبش معنویت برای کودکان از دید بنیانگذاران آن ندارد، زیرا آنها نسبت به هر مکتبی گشودگی دارند و فراتر از ادیان عمل میکنند و از مبانی خود بعنوان یک گرایش و هدیه معنوی بحث میکنند و بر این باورند که کودکان حق دارند از گنجهای معنوی جهان بهره‌مند شوند. بنابراین این بحث مطرح نیست که گمان کنیم چون در امریکا دین مسیحیت غالب است، این



طرح با شکست مواجه شده باشد.

در اینجا میتوان شباهتی میان این سبک با «فلسفه و کودک» در نظر گرفت، از این لحاظ که طبق تجربه، حتی در «فلسفه و کودک» نیز بسیاری از کشورهایی که آموزش و پرورش پیشرفته دارند، همچون سوئد و فنلاند، فلسفه برای کودکان سبک لیپمن را هرگز وارد سیستم خود نکرده‌اند و هیچ بهایی به آن نداده‌اند بلکه برای تقویت تفکر و خردورزی در کودکان برنامه‌های خاص خود را دارند. اما برغم اینکه برخی از کشورهای پیشرفته اقبالی به این امر نداشته‌اند، «فلسفه و کودک» به دلایل دیگری وارد ایران شده است. ما در اینجا چنین داوری‌یی نداریم که ورود آن به ایران مثبت است یا منفی، ولی اینکه صرفاً اگر کشوری آن را نپذیرد، باعث نمیشود به کشور ما هم وارد نشود. بنابراین، بعنوان پژوهشهای دانشگاهی باید به چنین مباحثی - از جمله معنویت برای کودکان سبک کارن برگ - از نظر مبانی پرداخته شود؛ حتی اگر قرار نباشد وارد کشور شود، باید مبانی آن بررسی و سنجیده شود.

۱. شکل نهایی خود را پیدا کرد. زوهر کلمه‌ی عبری، بمعنای ظهور است، که بتعبیر عرفان یهودی، مراد از آن ظهور الهی همراه با دو صفت جلال و جمال است (شولم، ۱۳۸۶: ۲۲۵-۲۱۹).
۲. اخیراً شواهدی مبنی بر متهم بودن کارن برگ به سوء استفاده از این روشهای خرافی موجود در کابالا بدست آمده است. مانند فروش آبی با عنوان «آب زوهر»؛ بدین معنا که آب کتاب زوهر را برای رسیدن؛ اعمال خرق عادت بفروش رسانده است.
۳. انسان محوری و در نهایت خدا شدن انسان.
۴. وی از نظریه‌پردازان و صوفیان قرن شانزدهم «مکتب صدف» و نویسنده هجده جلد کتاب دربارهٔ متون باستانی (کلاسیک)، تفاسیر، ترکیبات و اسلوب آموزه‌های زوهر است (همان: ۲۳۲).
۵. مطالب این بخش حاصل بررسی کتابهای درسی این مکتب (کتاب نور من ۱ و ۲) و همچنین سایت sfk.org است.
۶. تأثیر بسیار زیاد فلسفهٔ اگزیستانسیالیسم را در این مبانی مشاهده میکنیم که تأکید بر تصمیمها و مختار بودن و تأثیر تصمیمها دارد.
۷. برگرفته از کتب آموزشی سبک اس اف کی که در سایت رسمی این سبک معرفی شده است.
۸. پرداختن بیشتر به این موضوع از اجمال پژوهش حاضر خارج است. برای اطلاعات بیشتر به سایت sfk.org مراجعه کنید.
۹. مطالب این بخش برگرفته از سایت معنویت برای والدین است.
۱۰. مطالب این بخش نیز طبق استناداتی است که کارن برگ در سایت رسمی خود آورده است.
۱۱. برای اطلاع دقیق از میزان جوایز و کاربران آن در سراسر جهان این سبک به سایت رسمی معنویت برای کودکان امریکا مراجعه شود.

#### منابع

- سایت اندیشکدهٔ مطالعات یهود.
- خدایاری فرد، محمد؛ عابدینی، یاسمین (۱۳۸۶) *مشکلات سلامتی نوجوانان و جوانان*، تهران: دانشگاه تهران.
- رضوی، مرتضی (۱۳۹۰) *کابالا و پایان تاریخش*، تهران: ناشر مؤلف.
- شولم، گرشوم (۱۳۸۶) *جریانات بزرگ در عرفان یهودی*، ترجمهٔ فریدالدین رادمهر، تهران: نیلوفر.
- Berg, Karen (2012) *To be Continued, Reincarnation and the Purpose of Our Lives*, USA: Kabbalah publishing.
- \_\_\_\_\_. (2015) *Yourself Sabotage*, U. S. A.
- Gottman, J. (1997) *The Heart of Parenting: Raising an Emotionally Intelligent Child*, New York: Simon and Schuster.
- Sharp, Anna Margaret; Reed, Ronald F. (1992) *Studies in Philosophy for Children*, Philadelphia Temple University Press.
- Sfk.org A:** sfk.org/spirituality-for-parents/  
**Sfk.org B:** sfk.org/programs/certification/  
**Sfk.org C:** sfk.org/spirituality-for-kids/written by Michal Berg, 2015.

#### اساسیترین نقدها

مفهوم معنویت (تعریف غایت‌محور)- معنویت سکولار
انسانگرایی مدرن و در نهایت خدا شدن انسان (عرفان اومانستی)
مغفول ماندن بحث تحول وجودی
نادیده گرفتن خردورزی ← برغم تأکید بر تصمیمات خردمندانه
مبهم ماندن بحث معناداری زندگی
عدم اشاره به ارتباط فرد با یک منبع متافیزیکی (خدا) در برنامه‌های آموزشی

#### پی‌نوشتها

۱. کتاب زوهر در سالهای پس از ۱۲۷۵ نگاشته شد. این اثر از مهمترین کتب قبالی است که تفسیری عرفانی از تورات بحساب می‌آید. طبق بررسیهای انجام شده، نویسندهٔ کتاب زوهر مشخص نیست، مفسرین کابالایی این کتاب، معتقدند با تدوین کتاب زوهر، تصوف رازآمیز کابالا بصورت یک نظام فکری و عملی سامان یافته و بشکلی منسجم درآمد و